

تصویری کلی از اقتصاد چین

از هنگام بنیانگذاری جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، ساختار اقتصادی چین تغییرات زیادی کرده است اما برای ایجاد روابطی منطقی‌ترین بخشهای مختلف اقتصادی خود، هنوز به تغییراتی نیاز دارد. چین قدیم جامعه‌ای نیمه فئودالی و نیمه مستعمراتی بود که در آن، کشاورزی و صنایع دستی مقامی مسلط داشت، و کشاورزی آن هم تا حدود زیادی متکی بر نیروی کار دستی بود. بعد از ۱۹۴۹، برنامه صنعتی شدن وسیعی پیاده شد که بتدریج اقتصاد چین را از یک اقتصاد کشاورزی به یک اقتصاد صنعتی - کشاورزی تبدیل کرد. بعد از اصلاحات ارضی در اولین سالهای بعد از ۱۹۴۹، روستاها نیز بتدریج تعاونی شد، از سال ۱۹۴۹ در زمینه حمل و نقل و ارتباطات نیز اقدامات زیادی انجام گرفت. در حال حاضر، به غیر از تبت، همه مناطق چین به وسیله خطوط راه آهن با هم ارتباط دارند.

بازرگانی داخلی و خارجی نیز بسیار گسترش یافته است. کل فروش داخلی کالا که در سال ۱۹۵۰، تقریباً معادل ۸۰۱۳۰ میلیون دلار (۱۷۰۵۶۰ میلیون یوان) بود، در سال ۱۹۸۱ بالغ بر ۱۱۲۰۰۰۰ میلیون دلار (۲۳۵۰۰۰۰ میلیون یوان) شد. ارزش کل صادرات و واردات در ۱۹۵۰ معادل ۱۰۱۳۰ میلیون دلار بود که در سال ۱۹۷۹، بالغ بر ۲۹۰۳۳۰ میلیون دلار شد.

به طور کلی، بعد از ۱۹۴۹، چین در همه شاخه‌های اقتصاد به پیشرفتهایی نایل شده است. اما به هر حال، ساختار فعلی اقتصاد چین نیز از بسیاری جنبه‌ها غیر منطقی است، و به دلیل همین عدم توازن در اقتصاد ملی است که باز تولید به آسانی صورت نمی‌گیرد. به عنوان مثال، بسیاری از کارخانه‌ها، به علت کمبود نیروی برق، نمی‌توانند از تمام ظرفیت خود استفاده کنند. برآورد شده است که کمبود نیروی برق به ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیون کیلووات ساعت می‌رسد. به همین دلیل است که تولیدات صنعتی، تا پیش از ۷۵ هزار میلیون یوان کاهش یافته است. بسیاری از پروژه‌ها به علت کمبود برق اجباراً تعطیل می‌شود. آن دسته از پروژه‌ها هم که اجرایی می‌شود، تکمیل نمی‌شود، و نمی‌توان برای مدت طولانی از آنها استفاده

۱. یک دلار برابر با ۲/۱ یوان می‌باشد.

کرد. این مسئله، باعث اتلاف مقدار زیادی برق، مواد اولیه، و سایر منابع می‌شود. در واقع، غیر منطقی بودن ساختار اقتصادی، منجر به مشکل جدی اتلاف انرژی در خیلی از شاخه‌های اقتصادی می‌گردد. در چین، میزان درآمد ملی تولید شده در ازای هر تن ذغال سنگ، از $\frac{1}{4}$ همین میزان در ژاپن کمتر است. نتیجه دیگر غیر منطقی بودن ساختار اقتصادی این است که از انواع تجهیزات و نیروی انسانی عظیم، به آن حدی که باید، بهره‌برداری نمی‌شود.

مشکلات عمده موجود در ساختار اقتصادی چین کدام است؟

۱. توسعه اقتصادی نمی‌تواند هماهنگ با نیازهای اقتصاد ملی انجام شود. این مسئله تبدیل به عامل مهمی شده است که توسعه سریع اقتصادی را محدود می‌کند. از زمان تشکیل جمهوری خلق چین، سهم کشاورزی در ارزش تولید ناخالص مجموع کشاورزی و صنعت بسیار پایین آمده است (از ۷۰ درصد در ۱۹۴۹، به ۲۹/۷ درصد در ۱۹۷۹). در مقایسه با صنعت، کشاورزی روز به روز عقب مانده‌تر می‌شود، و این خطر وجود دارد که صنعت، همچنان به طور یک جانبه، و به زیان کشاورزی، توسعه یابد. بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی پایین است. گرچه جمعیت در بخش کشاورزی ۸۳/۸ درصد کل جمعیت، و نیروی کار کشاورزی ۸۴/۹ درصد کل نیروی کار کشاورزی و صنعت را تشکیل می‌دهد، عرضه تولیدات کشاورزی هنوز نمی‌تواند احتیاجات اقتصاد در حال توسعه چین را برآورده سازد. ساخت کشاورزی چین نیز غیر منطقی است. به دلیل اینکه در خط مشی گذشته تأکید می‌شد که "گندم عامل کلیدی است"، جنگلها و مراتع صدمه دیدند، و از منابع طبیعی به طور کامل استفاده نشد. با وجود این، در دوره‌های از زمان آهنگ افزایش محصول گندم حتی از آهنگ رشد جمعیت پایینتر بود. از زمان برنامه پنجساله دوم (۱۹۵۸ - ۱۹۶۲)، چین مجبور شده است که سالانه چندین میلیارد جین گندم (جین = ۵۰۰ گرم) وارد کند. اگر در یک سال محصول خوب نباشد، در برخی نقاط کمبود جدی مواد غذایی روی خواهد داد؛ چنین وضعی برای یک کشور بزرگ کشاورزی، نامناسب است.

۲. صنایع سبک نیز عقب مانده است و نمی‌تواند نیازهای روزافزون مردم روستایی و شهری را برآورد. در چین، هرگز به صنایع سبک، ارزش و مقامی که باید، داده نشده است؛ سهم سرمایه‌گذاری در آن، نسبت به کل سرمایه‌گذاری، بسیار کم بوده است. سهم صنایع سبک در کل سرمایه‌گذاریهای عمده جامعه، در طول برنامه پنجساله اول، فقط ۵/۹ درصد بود. در محاسبه سرانه، تولید محصولات صنعتی سبک در چین، بسیار پایینتر از کشورهای پیشرفته جهان است. در واقع، عرضه بعضی از این محصولات، حتی حداقل نیازهای زندگی مردم را نمی‌تواند برآورد؛ سازد. تکنولوژی تولید صنایع سبک چین، عموماً در سطح دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ سایر کشورها باقی مانده، و سطح بعضی از آنها در حد دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ کشورهای پیشرفته جهان است؛ در نتیجه، بهره‌وری نیروی کار نیز بسیار پایین است.

ترکیب مواد خام در تولید صنایع سبک نیز ناهماهنگ است؛ نسبت مواد خام کشاورزی، زیادی بزرگ است و نسبت مواد خام صنعتی، زیادی کوچک، و این وضع به طرز جدی، مانع توسعه صنایع سبک

می شود. عقب ماندگی صنایع سبک منجر به کمبود کالاهای صنعتی سبک در بازار شده، و باعث می شود که در بازار، شکاف بزرگی بین عرضه و تقاضای این کالاها وجود داشته باشد. در سالهای اخیر، این شکاف بالغ بر چندین میلیارد یوان شده است.

۳. صنایع سنگین به صورتی آشفته و نا هماهنگ، و به زبان کشاورزی و صنایع سبک توسعه یافته است. درست است که صنایع سنگین چین خیلی توسعه یافته نیست، اما اگر در چارچوب وضع اقتصادی جاری به آن بنگریم، می بینیم که میزان و آهنگ رشد آن از قابلیت مالی و مادی اقتصاد ملی فراتر رفته است، و به همین دلیل، نه تنها مانع توسعه صنایع سبک و کشاورزی شده است، بلکه توسعه خود را نیز با مشکل روبه روسته است. ضمناً در ترکیب داخلی خود این صنایع سنگین نیز عدم تعادل وجود دارد. مثلاً صنعت انرژی عقب مانده است؛ در حالی که ارزش تولید صنعتی چین از سال ۱۹۵۳ تا سال ۱۹۸۵، سالانه ۱۱/۱ درصد رشد کرده است، تولید انرژی فقط به طور متوسط سالی ۹/۶ درصد افزایش یافته است؛ در حال حاضر، کمبود انرژی، به مشکل جدی و عظیمی در اقتصاد ملی تبدیل شده است. مثال دیگر اینکه، مواد خام با صنایع تبدیلی هماهنگ نیست. ظرفیت تولید کارخانه های ماشین سازی موجود در چین، ۳ تا ۴ برابر ظرفیت عرضه تولیدات فولادی است. کارایی ماشین آلات در مقایسه با کشورهای دیگر بسیار پایین است، و صنعت ماشین سازی برای برآوردن نیازهای انتقال تکنیکی اقتصاد ملی، نارساست. آخرین مثال اینکه، صنعت مواد مصالح ساختمانی نیز عقب مانده است. از سال ۱۹۵۳ تا سال ۱۹۸۵، صنعت مواد ساختمانی با نرخ متوسط ۱۱/۵ درصد در سال رشد کرده است که از متوسط رشد ۱۳ درصد سالانه صنعت سنگین پایینتر است. به غیر از دوره برنامه پنج ساله اول، و دوره تعدیل مجدد اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۶۰، تولید عمده مواد ساختمانی با نرخ کمی کمتر از نرخ رشد صنعتی برای همان دوره رشد کرد. نسبت های شاخه های مختلف صنعت سنگین نیز غیر متعادل است. مثلاً در صنایع نفت و ذغال سنگ، بین اکتشاف و استخراج توازن وجود ندارد. در صنعت آهن و فولاد نیز بین استخراج آهن و ذوب فولاد، و بین ذوب فولاد و تولید ورق فولاد عدم تعادل وجود دارد. به همین دلایل است که صنعت سنگین نتوانسته است نقش عمده خود را در رابطه با کشاورزی، صنعت سبک، و اقتصاد ملی در مجموع، به طور کامل ایفا کند.

۴. توسعه ارتباطات و حمل و نقل نیز بسیار عقبتر از آهنگ رشد اقتصادی است. کل طول شبکه خط آهن چین از یک ششم ایالات متحد، و یک دوم اتحاد جماهیر شوروی، و حتی از هندوستان هم کوتاهتر است. راههای اصلی و سیستم انتقال آب نیز نمی تواند نیازمندیهای کشاورزی در حال توسعه و تولیدات صنعتی را برآورده سازد. ظرفیت بارگیری بنادر نیز نامناسب است و به توسعه بازرگانی خارجی لطمه می زند. سیستم پست و مخابرات چین نیز در اقتصاد ملی آن، حلقه ارتباطی ضعیفی است.

۵. بازرگانی و خدمات نیز هماهنگ با توسعه اقتصادی ملی رشد نکرده است. از سال ۱۹۵۷ تا سال ۱۹۷۸، جمعیت چین ۴۸ درصد افزایش یافته است، و مجموع تعداد کارگران و کارمندان

بیش از ۲۰۰ درصد بالا رفته، و کل حجم فروش کالا نیز بیش از ۲۰۰ درصد افزایش یافته است، اما با توجه به افزایش جمعیت، تعداد پرسنل استخدام شده در بازرگانی و خدمات بسیار کم افزایش یافته است، و در نتیجه، مردم هر روز باید مقدار زیادی از وقت خود را در صف بگذرانند. گرچه وضعیت از سال ۱۹۷۹، بهتر شده است، اما هنوز این مشکل، یک مشکل جدی است.

۶. تجارت خارجی با نیازهای مدرنیزه شدن سریع و شتابان همگام نیست. کل حجم تجارت خارجی جهان در ۱۹۷۸ معادل ۲۰۶۲۱۰۲۰۰ میلیون دلار آمریکایی بود، که سهم چین در این رقم فقط ۵/۸ درصد بود. نسبت کالاهای صادراتی چین (که بر اساس قیمت خرید داخلی این کالاها محاسبه شده است) به کل ارزش تولیدات کشاورزی و صنعتی کشور بسیار ناچیز است. (۳/۹ درصد در ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸). رشد بسیار کند در صادرات، توانایی چین را در وارد کردن تکنولوژی و تجهیزات محدود کرده است.

۷. نسبت بین سرمایه‌گذاریهای تولیدی و سرمایه‌گذاریهای ساختمانی متعادل نیست. در طول برنامه پنجساله اول، سرمایه‌گذاریهای تولیدی ۷۱/۷ درصد از کل سرمایه‌گذاری، و سرمایه‌گذاریهای ساختمانی ۲۸/۳ درصد از کل سرمایه‌گذاریها را تشکیل می‌داد. این نسبت، اساساً "با نیازمندیهای توسعه اقتصاد ملی هماهنگ بود. در طول برنامه پنجساله دوم، نسبت سرمایه‌گذاریهای تولیدی به ۸۶/۸ درصد و نسبت سرمایه‌گذاریهای ساختمانی به ۱۳/۲ درصد رسید. از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۶ نسبت سرمایه‌گذاریهای تولیدی تا ۸۷/۳ درصد بالا رفت و نسبت سرمایه‌گذاریهای ساختمانی به ۱۲/۷ درصد کاهش یافت؛ به این ترتیب، یک عدم توازن شدید بین این دو به وجود آمد. نتیجه این کار این شد که در شهرهای چین، فضای متوسط زندگی برای هر فرد چینی فقط ۳/۶ مترمربع در ۱۹۷۷ بود که در واقع معادل ۵/۹ مترمربع کمتر از متوسط فضا در ۱۹۵۲ (۴/۵ مترمربع) بود. نتیجه اینکه، ۶/۲۶ میلیون خانواده از مسکن مناسب بهره‌ای ندارند؛ این رقم، ۳۷ درصد کل خانوارهای ساکن شهرها می‌باشد.

مسائل جامع علوم انسانی

مشکلاتی که در بالا ذکر شد، به هیچ وجه جامع جمیع مشکلات نیستند. مشکلات دیگری نیز وجود دارد که بتدریج باید با تصحیح ساختار اقتصادی از بین برود. این مشکلات عبارتند از: ساختار نامناسب قیمت، عدم هماهنگی بین صنایع دفاع ملی و صنایع کشوری، آلودگی صنعتی جدی، توسعه‌کننده مؤسسات تعاونی در شهرها، سطح پایین مدیریت، و تعداد بیشمار نیروی انسانی منتظر کار. مهمترین و جدیترین این مشکلات، عدم توازن بین کشاورزی، صنعت سبک، و صنعت سنگین است. این رابطه در واقع رابطه بین ابزار تولید و ابزار مصرف است. مشکل بنیادی، ساختار فعلی اقتصاد است که باید تعدیل شود و شکل مناسبی اختیار کند.

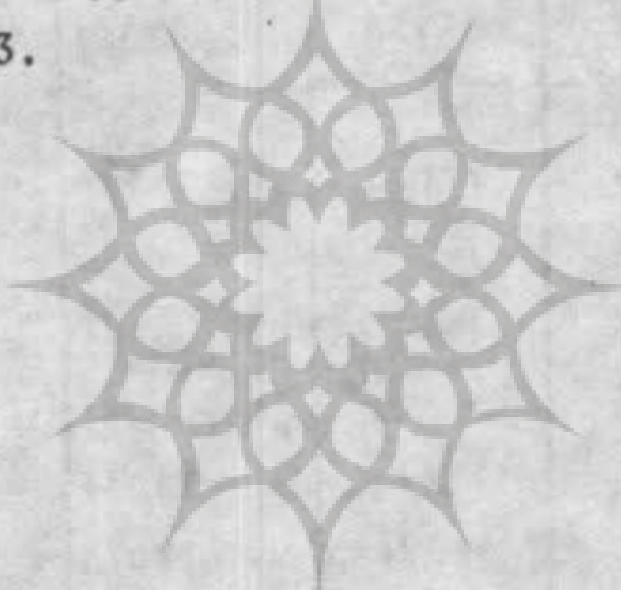
کل جمعیت چین در سال ۱۹۸۲ معادل ۱۰۵۱۵/۴۱۰ هزار نفر بوده است که ۴۸/۴۸ درصد آن را زنان، و ۵۱/۵۲ درصد آن را مردان تشکیل می‌دادند. از این جمعیت ۲۵/۸ درصد شهرنشین، و ۷۹/۲ درصد روستایی هستند. تعداد جمعیت شهری از سال ۱۹۴۹، تقریباً "دو برابر شده است، در حالی که در

همین دوره، جمعیت روستایی فقط ۱۵ درصد کاهش یافته است. بیشترین مقدار این شهرگرایی (تقریباً ۷۵ درصد) تا سال ۱۹۶۲، صورت گرفته است.

همان طور که در ابتدای این مقاله گفته شد، اقتصاد ملی چین، علی رغم مشکلات جدی که در راه توسعه آن وجود دارد، به پیشرفتهای زیادی نیز نایل شده است. جدول شماره ۱ که شامل شاخصهای اصلی اقتصاد ملی چین و آهنگ افزایش آنها می باشد، پیشرفتهای چین را در ۳۵ سال اخیر نشان می دهد.

در جدول شماره ۲، ارقام کلیدی برنامه اقتصاد ملی سال ۱۹۸۳، و نسبت درصد افزایش آنها را به سال ۱۹۸۲، مشاهده می کنیم.

Hong, Ma. *New Strategy for China's Economy*. Beijing: New World Press, 1983. از:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱ - شاخصهای اصلی اقتصاد ملی چین - آهنگ رشد

شرح	نسبت ۱۹۸۲ به ۱۹۵۲ (%)		نسبت ۱۹۸۲ به ۱۹۷۸ (%)		نسبت ۱۹۸۲ به ۱۹۸۱ (%)	
	۱۹۵۲-۱۹۸۲	۱۹۷۹-۱۹۸۲	۱۹۵۲-۱۹۸۲	۱۹۷۹-۱۹۸۲	۱۹۵۲-۱۹۸۲	۱۹۷۹-۱۹۸۲
۱. جمعیت	۱۷۴/۶	۱۰۵/۵	۱۰۱/۵	۱/۶	۱/۳	۱/۳
۲. نیروی کار شاغل در اقتصاد ملی	۲۱۵/۷	۱۱۲/۲	۱۰۳/۳	۲/۶	۲/۹	۲/۹
کارمندان و کارگران	۷۰۳/۷	۱۱۸/۸	۱۰۳/۱	۶/۷	۴/۴	۴/۴
۳. جمع تولیدات جامعه	۹۶۹/۷	۱۳۳/۶	۱۰۹/۰	۷/۹	۷/۵	۷/۵
تولید ناخالص کشاورزی و صنعت	۱۰۳۳/۱	۱۳۲/۶	۱۰۸/۷	۸/۱	۷/۳	۷/۳
۴. درآمد ملی	۵۷۹/۱	۱۲۷/۸	۱۰۷/۴	۶/۰	۶/۳	۶/۳
۵. تولیدات کشاورزی	۳۰۶/۶	۱۳۲/۵	۱۱۱/۰	۳/۸	۷/۵	۷/۵
الف) تولیدات ناخالص کشاورزی						
ب) تولیدات عمده زراعی:						
غلات	۲۱۵/۶	۱۱۶/۰	۱۰۸/۷	۲/۶	۳/۸	۳/۸
پنبه	۲۷۵/۹	۱۶۶/۰	۱۲۱/۳	۳/۴	۱۳/۵	۱۳/۵
دانه‌های روغنی	۲۸۱/۸	۲۲۶/۵	۱۱۵/۸	۳/۵	۲۲/۷	۲۲/۷
نیشکر	۵۱۸/۳	۱۷۴/۷	۱۲۴/۳	۵/۶	۱۵/۰	۱۵/۰
چغندر قند	۱۴۰۱/۳	۲۴۸/۴	۱۰۵/۵	۹/۲	۲۵/۵	۲۵/۵
چای	۴۸۴/۱	۱۴۸/۲	۱۱۶/۰	۴/۵	۱۰/۳	۱۰/۳
میوه	۳۱۵/۷	۱۱۷/۴	۹۸/۹	۳/۹	۴/۱	۴/۱
گوشت	۳۹۹/۱	۱۵۷/۸	۱۰۷/۱	۴/۷	۱۲/۱	۱۲/۱
تولیدات دریایی	۳۰۹/۰	۱۱۰/۷	۱۱۱/۹	۳/۸	۲/۶	۲/۶
۶. تولیدات صنعتی						
الف) تولیدات ناخالص صنعتی:						
صنایع سبک	۲۱۱۵/۷	۱۳۲/۳	۱۰۷/۷	۱۰/۷	۷/۲	۷/۲
صنایع سنگین	۱۵۱۵/۰	۱۵۶/۵	۱۰۵/۷	۹/۵	۱۱/۸	۱۱/۸
	۳۱۷۷/۱	۱۱۴/۴	۱۰۹/۹	۱۲/۲	۳/۴	۳/۴

ادامه جدول ۱

شاخصهای اصلی اقتصاد ملی چین - آهنگ رشد

متوسط رشد سالانه (%)		نسبت ۱۹۸۲ به ۱۹۸۱ (%)	نسبت ۱۹۸۲ به ۱۹۷۸ (%)	نسبت ۱۹۸۲ به ۱۹۵۲ (%)	شرح
۱۹۷۹ به ۱۹۸۲	۱۹۵۳ به ۱۹۸۲				
					(ب) تولیدات عمده صنعتی:
۸/۶	۴/۷	۱۰۷/۶	۱۳۹/۲	۴۰۰/۸	پارچه
۷/۶	۹/۷	۱۰۹/۱	۱۳۴/۲	۱۵۹۱/۹	کاغذ و مقوای ماشینی
۱۰/۵	۷/۰	۱۰۶/۶	۱۴۸/۹	۷۵۱/۱	شکر
۲۹/۷	۲۱/۰	۱۳۸/۰	۲۸۳/۴	۳۰۰۲۵۰/۰	دوچرخه
۲۷/۵	۱۹/۲	۱۲۳/۸	۲۶۴/۳	۱۹۰۴۸۴/۸	ماشین خیاطی
۱/۹	۸/۰	۱۰۷/۱	۱۰۷/۸	۱۰۰۰۹/۱	زغال
-۰/۵	۱۹/۹	۱۰۰/۹	۹۸/۱	۲۳۰۲۰۹/۱	نفت خام
۶/۳	۱۳/۵	۱۰۵/۹	۱۲۷/۷	۴۰۴۸۹/۰	برق
۴/۰	۱۱/۷	۱۰۴/۴	۱۱۶/۹	۲۰۷۵۲/۶	فولاد
۷/۱	۱۱/۷	۱۰۸/۷	۱۳۱/۴	۲۰۷۳۷/۷	ورقه فولاد (محصول نهایی)
۹/۹	۱۲/۴	۱۱۴/۸	۱۴۵/۹	۳۰۳۲۸/۷	سیمان
-۰/۶	۴/۸	۱۰۲/۰	۹۷/۷	۴۰۸/۸	تیرچوبی
-۱۴/۱	۶/۸	۹۷/۱	۵۴/۵	۷۲۸/۵	ابزار ماشین برش فلزات
					۰۷ حمل و نقل
۶/۰	۹/۷	۱۰۶/۸	۱۲۶/۲	۱۰۶۲۷/۷	حمل و نقل کالا
۱۲/۰	۸/۳	۱۰۹/۸	۱۵۷/۴	۱۰۱۰۴/۷	حمل و نقل مسافر
۶/۰	۱۰/۴	۱۲۶/۶	۱۲۶/۴	۱۰۹۴۰/۶	۰۸ کل سرمایه‌گذاری داراییهای ثابت واحدهای دولتی
۲/۶	۸/۹	۱۲۵/۴	۱۱۰/۹	۱۰۲۷۵/۳	سرمایه‌گذاری در کارهای ساختمانی
۱۳/۳	۷/۷	۱۰۹/۴	۱۶۴/۹	۹۲۸/۵	۰۹ کل خرده فروشی
۲۱/۴	۸/۶	۱۰۵/۰	۲۱۷/۴	۱۰۱۹۵/۰	۱۰ کل صادرات و واردات
۲۵/۴	۹/۵	۱۱۲/۷	۲۴۷/۰	۱۰۵۲۸/۸	صادرات
۱۷/۵	۷/۸	۹۷/۳	۱۹۰/۹	۹۵۳/۹	واردات
					۱۱ دارایی عمومی
۰/۱	۶/۲	۱۰۳/۲	۱۰۰/۳	۶۱۱/۹	درآمد
۰/۹	۶/۵	۱۰۳/۴	۱۰۳/۸	۶۵۵/۳	هزینه

ادامه جدول ۱

شاخصهای اصلی اقتصادی چین - آهنگ رشد

شرح	نسبت ۱۹۸۲			متوسط رشد سالانه (%)	
	نسبت ۱۹۸۲ به ۱۹۵۲ (%)	نسبت ۱۹۸۲ به ۱۹۷۸ (%)	نسبت ۱۹۸۲ به ۱۹۸۱ (%)	۱۹۷۹ به ۱۹۸۲	۱۹۵۳ به ۱۹۸۲
۱۲. شاخص کل قیمتهای خرده فروشی	۱۳۷/۲	۱۱۲/۸	۱۰۱/۹	۳/۱	۱/۱
۱۳. میانگین دستمزد کارگران و کارمندان واحدهای دولتی	۱۸۷/۴	۱۲۹/۸	۱۰۳/۰	۶/۷	۲/۱
۱۴. تعداد نامنویسی دانش آموزان در مؤسسات عالی	۶۰۴/۲	۱۳۴/۸	۹۰/۲	۷/۸	۶/۲
تعداد نامنویسی در دبیرستانهای حرفهای	۱۶۳/۴	۱۱۶/۹	۹۷/۲	۴/۰	۱/۶
۱۵. تختهای بیمارستانی	۱۰۲۸۳/۸	۱۱۰/۷	۱۰۱/۸	۲/۶	۸/۹
کارکنان بهداری	۴۵۵/۵	۱۲۷/۶	۱۰۴/۴	۶/۳	۵/۲
پزشکان	۳۰۷/۵	۱۲۶/۵	۱۰۵/۱	۶/۱	۳/۸

مأخذ:

State Statistical Bureau, PRC. *Statistical Yearbook of China, 1983.*

Hongkong: Economic Information and Agency, 1983.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲ - ارقام کلیدی برنامه اقتصاد ملی سال ۱۹۸۳ چین

شرح	سال ۱۹۸۳	واحد	% افزایش نسبت به ۸۲
کل تولید ملی	۱۰۱۰۵/۲	میلیارد یوان	۱۰
کل ارزش تولیدات صنعتی و کشاورزی:	۹۲۰/۹	" "	۱۰/۲
۱. کشاورزی	۳۱۲/۱	" "	۹/۵
۲. صنعت:	۶۰۸/۸	" "	۱۰/۵
الف) صنایع سنگین	۳۱۲/۴	" "	۱۲/۴
ب) صنایع سبک	۲۹۵/۴	" "	۸/۷
کل سرمایه‌گذاری در داراییهای ثابت واحدهای دولتی:	۹۵/۲	" "	—
۱. ساختمان	۵۹/۴	" "	۶/۹
۲. پروژه‌های نوسازی تجهیزات و پیشرفت تکنولوژی	۳۵/۸	" "	۲۳/۵
حجم ناخالص کالاهای حمل و نقل شده	۱۰۴۰۴/۴	میلیارد تن در کیلومتر	۷/۶
حمل و نقل مسافری	۳۰۹/۵	میلیارد نفر در کیلومتر	۱۲/۸
کل ارزش خرده‌فروشی	۲۸۴/۹	میلیارد یوان	۱۰/۹
کل ارزش واردات و صادرات:	۸۶/۰۱	" "	۱۹/۴
۱. صادرات	۴۳/۸۳	" "	۱۰/۵
۲. واردات	۴۲/۱۸	" "	۲۹/۷
کل دستمزد سالانه کارگران و کارمندان	۹۳/۴۶	" "	۶
دستمزد سالانه نقدی متوسط سرانه	۸۲۶	یوان	۳/۵

مأخذ:

China Daily. May 2, 1984.